**صهیونیسم و رؤیای حکومت ‌بر جهان**

نويسنده: بهروز جندقی

نهضت صهیونیسم از اواخر قرن 19 به رهبری «هرتزل‌» در کنفرانسی که در سال 1897 در شهر بازل سوئیس برگزار شد، بنا نهاده شد، بعد از جنگ جهانی اول، کانون ملی یهودیان در فلسطین با قیمومیت انگلیس تشکیل گردید و پس از جنگ دوم جهانی با محاصره و خرید زمین‌های فلسطینی تبدیل به دولت و کشور اسرائیل شد. البته در اواسط قرن 19 یعنی تقریبا 50 سال قبل از کنفرانس بال، نخست وزیر وقت انگلستان «بنیامین دیزرابیلی‌» به یک خانواده بزرگ یهودی قول تشکیل یک حکومت و ولت‌یهودی در فلسطین را داده بود.
قرنها پیش در اوایل حکومت اسلام، کعب الاحبار یک مرد یهودی یمنی بود که از راه مدینه به بیت المقدس رفته و آنجا ساکن شده بود، او در حقیقت‌یک صهیونیست‌بود زیرا علاقه داشت که در نزدیکی کوه «صهیون‌» در اورشلیم زندگی کند.
یهودیان از همان اوان قدرت گیری خود در صحنه مذهب یهود با حضرت عیسی(علیه السلام) و سپس پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) به خالفت‌برخاستند و از هیچ گونه آزار و اذیت و خیانتی نسبت‌به این دو پیامبر عظیم الشان خودداری نکردند. مطالعه تاریخ یهودیت نشان می‌دهد که این قوم از ابتدای تاریخ بشریت نیز مردمانی بوده‌اند انحصار طلب، تجاوزکار و خیانت‌پیشه.
در عصر حاضر نیز صهیونیسم همچون شبکه‌ای تار عنکبوتی بر صحنه گیتی تار فریب تنیده، سعی در تسلط کامل بر آدمیان این صحنه را دارد، سیاستهای استعماری صهیونیسم را در سه فصل جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم تا ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این تسلط بر همگان آشکار گردد.

1- دنیا بازیچه سیاست‌یهود

صهیونیسم به عنوان یک ایدئولوژی، فعالیتهای سیاسی و تروریستی شبکه بین المللی بزرگ یهود را رهبری می‌کند و این مکتب زمانی در صحنه جهانی حضور یافت که کاپیتالیسم غربی راه گذار به مرحله امپریالیسم را بر خود هموار می‌نمود. صهیونیسم‌از همان اوان تشکیل با محافل قدرتهای امپریالیستی همبستگی کامل داشت، البته در تکامل اسرائیل و سلطه صهیونیسم آمریکائیان ناخواسته بیش از کشورهای دیگر، مؤثر بوده‌اند، در سال 1917 صهیونیستهای آمریکایی با بهره‌گیری از روابط خود با حکومت واشنگتن نقش بسیار مؤثری را در تصویب اعلامیه «بالفور» بازی کردند و در سال 1922 کنگره امریکا قطعنامه « لاج - فیش‌» را که تاییدی بر اعلامیه فوق بود به تصویب رساند و با شروع اولین اقدامات سیاسی در فلسطین صهیونیست‌های امریکایی مدعی رهبری صهیونیسم بین‌المللی شدند، طی دهه 1930 صهیونیست‌ها با بهره‌گیری فراوان از تهدید فاشیسم در اروپا دامنه تبلیغات خود را گسترش دادند و جالب این که برای تبلیغ علیه نازی‌ها به همان شیوه نازیسم متوسل شدند. در کتاب «پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی‌» به طرز شگفت آوری شباهت این دو ایده مورد تشریح قرار گرفته است، این کتاب آثار هرتزل و هیتلر را در « دولت‌یهود» و «نبردمن‌» ورق می‌زند و از «نژاد برتر»، «اسرائیل بزرگ‌»، «آلمان بزرگ‌»، «حق تاریخی‌»، «فضای کامل زیست‌» سخن می‌گوید.(1)
در سال 1948 رؤسای سیاسی امریکا به این نتیجه رسیدند که استراتژی صهیونیست‌ها این است که امریکا را در رشته عملیاتی که همواره گسترده‌تر و ژرفتر می‌شود درگیر کنند تا به تمام اهدافشان دست‌یابند، این سند اهداف صهیونیست‌ها را چنین برمی‌شمارد:
1- برقراری حاکمیت‌یهودیان بر بخشی از فلسطین.
2- جلب موافقت قدرتهای بزرگ با مهاجرت نامحدود یهودیان به اسرائیل.
3- گسترش حاکمیت‌یهودیان بر سراسر فلسطین.
4- گسترش حاکمیت‌یهودیان بر اردن و بخشهایی از لبنان و سوریه.
5- برقراری سرکردگی نظامی و اقتصادی یهودیان بر سراسر خاورمیانه.
در این سند هم چنین اضافه شده که تمام مراحل این برنامه برای رهبران متعصب یهود به یک اندازه مقدس است. رهبران آژانس یهود که اکنون مهمترین گروه یهودی است‌به طور خصوصی نزد مقامات امریکا به وجود چنین برنامه‌ای اعتراف کرده‌اند.(2)
اما در مورد ریشه‌های فکری و روانی اشغال فلسطین باید گفت موضوعی که بیش از هر چیز دیگری رهبران متعصب صهیونیسم را آزار می‌دهد ذوب شدن یهودیان در میان ملل و اقوام دیگر و رنگ باختن هویت‌یهودی آنان بود. با این نگرش، صهیونیست‌ها در درجه اول به مسئله نژادپرستی و حتی برتری نژادی هیتلری اهمیت می‌دهند و پیرو این اندیشه نژادی نازی‌ها که به «پاکی خون‌» اعتقاد دارند هستند، این مشکل نیز برطرف نمی‌گردد مگر به جمع آوری یهودیان از سراسر جهان و انتقال آنان به سرزمینی متعلق به خودشان.
در راستای تحقق این هدف، متفکرین صهیونیسم کشورها و سرزمینهای مختلفی از دنیا را بررسی اشغال کاندیدا کردند ولی نهایتا سرزمین مظلوم فلسطین را به دلایل متعددی مناسبترین محل تشخیص دادند چرا که :
1- وجود بیت المقدس در فلسطین می‌توانست پشتوانه مذهبی بسیار خوبی را برای یهودیت فراهم آورد و از لحاظ افکار بین‌المللی دستیابی یهودیان را به فلسطین به عنوان سرزمین موعود یهود، تا حدی توجیه نماید.
2- سرزمین فلسطین از لحاظ استراتژیکی از اهمیت‌خارق‌العاده‌ای برخوردار است آنچنان که نیم نگاهی به نقشه جغرافیایی این کشور، مطلب فوق را تصدیق می‌نماید.
3- عدم ثبات حکومت مرکزی فلسطین نیز موقعیت‌بسیار مناسبی را برای ارتش سر تا پا مسلح اسرائیل فراهم می‌آورد تا براحتی آن را مورد تاخت و تاز قرار دهند.
پس از تعیین مکان نوبت‌بر اجرای سیاستهایی رسید که در نتیجه اجرای آنها یهودیان کشورهای مختلف در محل زندگی خود احساس ناامنی کرد تصمیم به مهاجرت به اسرائیل می‌گرفتند، شیوه‌های تشویق مهاجرت به اسرائیل نیز متفاوت بود از تبلیغ سرزمین موعود در بیت المقدس گرفته تا وعده زندگی و رفاه اقتصادی بالاتر و نهایتا بمب گذاری در محل زندگی یهودیان کشورهایی که حاضر به مهاجرت نمی‌شدند. به عنوان مثال در سال 1950 عملیات تروریستی اسرائیل در بغداد آغاز شد زیرا یهودیان عراقی از نام نویسی در لیستهای مهاجرت به فلسطین اشغالی خودداری کردند. سرویس‌های مخفی اسرائیل با بمب‌گذاری در محل سکونت آنان یهودیان عراقی را متقاعد ساختند که در معرض خطر هستند.
اما هدف صهیونیسم در واقع نجات یهودیان نیست‌بلکه آرمان بزرگ او، ایجاد یک حرکت قوی سیاسی در فلسطین است، جنایات اخیر اسرائیل در فلسطین فیزیکی از حلقات متصل زنجیر حاکمیت صهیونیسم است که در صورت بلندتر شدن گلوی کشورهایی چون سوریه و اردن را نیز خواهد فشرد.

2- حکومت اقتصادی صهیونیسم بر آمریکا و دنیا

در حالی که یهودیان فقط 5/1 درصد جمعیت فعلی امریکا را تشکیل می‌دهند اما حدود 49 درصد کل سرمایه‌های شرکتهای بزرگ امریکایی را در اختیار دارند، آنان بیش از هر گروه دیگری در امریکا دارای سازماندهی و تشکیلات هستند به نحوی که دارای نفوذ گسترده‌ای در پشتیبانی مالی کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا می‌باشند، البته مهمترین جنبه کمک یهودیان به کاندیداها نه جنبه مالی آن بلکه همکاری عملی‌شان است، یهودیان مبارزات انتخاباتی را رهبری می‌کنند، نطق‌ها را می‌نویسند، برنامه‌های تبلیغاتی تلویزیونی را تهیه می‌کنند و در مورد سیاست مبارزاتی کاندیداها تصمیم می‌گیرند. نتیجه آنکه می‌بینیم دو نامزد ریاست جمهوری (نیکسون و کندی) چنان با دقت‌خواستهای صهیونیست‌ها را مورد توجه قرار دادند و چنان قولهایی به آنان می‌دادند که گاهی این احساس به وجود می‌آمد که اینان بیشتر خواستار به دست آوردن مقام ریاست جمهوری اسرائیل هستند تا آمریکا! چنبره اقتصادی یهود چنان گلوی مالی تبلیغاتی رئیس جمهوران امریکا را می‌فشارد که در صورت عدم تمکین در مقابل سیاستهای آنان، آنان خفه خواهند شد به همین دلیل در انتخابات قریب الوقوع دوره بعد ریاست جمهوری امریکا شاهدیم که چطور «ال گور» نامزد دموکرات ریاست جمهوری، از کمک‌های نظامی بیشتر به اسرائیل سخن می‌گوید و حتی برای اولین بار در طول تاریخ رؤسای جمهور امریکا، وعده انتخاب معاون اول خود از میان یهودیان را می‌دهد.
آری این چنین است که یهود در پی سلطه اقتصادی کامل بر سراسر پهنه گیتی است.

3- صهیونیسم طلایه‌دار تهاجم فرهنگی در جهان

جریان تهاجم فرهنگی دنیا امروز در دست صهیونیسم بین‌الملل قرار دارد در زمینه مطبوعات 70 درصد رسانه‌های گروهی غرب در اختیار بانکداران صهیونیست است و هفت نفری که در راس سه بنگاه عظیم خبری - تصویری امریکا (C.B.S-A.B.C N.B.C) قرار دارند و تمام اخبار روزانه امریکا و جهان را به اطلاع مردم می‌رسانند همگی صهیونیست هستند. 33 نفر از کسانی که رسانه‌های جهان را در انحصار دارند تماما از سرشناس‌ترین صهیونیست‌های جهان هستند. در ایالات متحده مردی صهیونیست و میلیاردر با نام «روبرت موردوخ‌» زندگی می‌کند که به تنهایی در هر روز 3 میلیون روزنامه و در هر هفته 4 میلیون مجله و هفته‌نامه منتشر می‌نماید. (3)
در بعد علمی تحقیقاتی نیز به گفته استاد شهید مرتضی مطهری(رحمت الله علیه) 90 درصد از بزرگترین اسلام شناسان دنیا را دانشمندان یهودی تشکیل می‌دهند، آنان نه تنها در مورد اسلام شناسی فعالیتهای بسیاری کرده‌اند بلکه در زمینه هنر، ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاست صنایع اتمی، ژنتیک و سایر رشته‌های حساس و حیاتی علوم نیز دارای تحقیقات گسترده‌ای هستند و از رهگذر این تحقیقات، رؤیای سیاست و سروری بر جهان را در سر می‌پرورانند.
در بعد هنر نیز در زمینه‌های مختلفی چون موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی و سینما سرمایه گذاری کرده‌اند. از میان هنرهای نامبرده هنر هفتم به دلیل فراگیریش به طرز عجیبی مورد توجه صهیونیست‌ها قرار گرفته است تا از این طریق بتوانند آرمان‌های ظالمانه خود را بر فکر و روح و احساسات ملل جهان سوم و پیشرفته تزریق نمایند، دلیل این مدعا، آنکه که کمپانیهای معروف فیلمسازی توسط یهودیان اداره می‌گردد و بخش عمده‌ای از تولیدات هالیوود زیر نظر آنان انجام می‌گیرد که این تولیدات 80 درصد نیاز مردم جهان را برطرف می‌نماید، از آنجا که مذهب برای عموم انسانها جاذبه‌های خاصی دارد این کمپانیهای بزرگ یهودی با استفاده از این حربه دست‌به ساختن فیلمهایی چون ده فرمان و حضرت مسیح(علیه السلام) زده‌اند، از سوی دیگر با ارائه فیلمهایی از کوره‌های آدم سوزی یهودیان در جنگ جهانی دوم توسط آلمانها، سعی بر این دارند تا در مقابل دیدگان مردم جهان خود را مظلوم جلوه داده، در تجاوز به فلسطین، بر حق بدانند.
مجسمه طلایی جایزه اسکار، در مسابقات جهانی انتخاب فیلم برتر، یادآور مجسمه‌های طلایی قوم بنی‌اسرائیل است.
حسن ختام این مقال را سخنی زیبا از امام راحل(رحمت الله علیه) قرار می‌دهیم:
« ما مسلمانان خار چشم صهیونیسم هستیم و از این خوشبختی که خداوند به ما عطا فرموده است‌خوشحالیم، اسرائیل غده‌ای سرطانی است و باید از میان برداشته شود.»

پي نوشت :

1- روژه گارودی، پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرین حکمی، پیشگفتار.
2- استیون گرین، جانبداری، روابط سری امریکا و اسرائیل، ترجمه سهیل روحانی، چاپ بنیاد تهران، 1368، ص‌21.
3- مجله حوزه، شماره 6، شهریور 1363، صص 111 - 131.

منبع:ماهنامه پاسدار اسلام